وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ هفدهم | چهارشنبه ۷ اسد ۱۳۸۳ | ۱۱ جمادی الثانی ۱۴۲۵ - | 28 July 2004

سرمقاله
جمعیت اسلامی افغانستان وکاندیداهای ریاست جمهوری
ص۲

مجاهدین وخواست زمان
ص۲

ویژگی های شخصیت ساز در انسان
ص۷

اعلامیهٔ دفتر مطبوعاتی جمعیت اسلامی افغانستان در مورد

اعلام کاندیداهای ریاست جمهوری

جمعیت اسلامی افغانستان با درک شرایط فعلی و مشکلات مرحلهٔ گذار و با در نظرداشت نیاز مبرم و اساسی جامعهٔ ما به امنیت و ثبات سیاسی به این باور است که تصامیم مهم در مورد مسائل ملی نه به صورت انفرادی و گروهی بلکه به صورت جمعی و در سطح ملی اتخاذ گردد و مصالح کشور بایست بیشتر مورد توجه قرار گیرد تا مصالح فردی و گروهی!

جمعیت اسلامی افغانستان خواهان ادامهٔ مذاکرات وتفاهماتی است که جمعی از مجاهدین در مورد آیندهٔ کشور و به خصوص انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی داشتند و روی یک سلسله اصول و ارزش ها توافقاتی به عمل آمده بود.

در مذاکرات یاد شده با آن که برخی از فرماندهان و مسؤولین عالی رتبهٔ دولتی شرکت داشتند ولی جای عده یی از سران و شخصیت های جهادی خالی بود و لازم است تا در مورد مسائل مهم سرنوشت ساز کشور طی جلساتی با سهمگیری همه ویا اکثر شخصیت ها وجهت های مطرح در جامعه به صورت جمعی تصمیم گرفته شود.

جمعیت اسلامی افغانستان برای پست ریاست جمهوری آیندهٔ افغانستان کاندیدایی را -از میان اعضای خویش- معرفی نکرده است وتأکید دارد تا جهت حفظ وحدت ملی و با در نظر داشت مصالح ملی، مذاکرات و نشست های یاد شده، نهایی گردد. و آنچه که توسط رسانه ها در مورد کاندیدای جمعیت به نشر رسیده، هرگز واقعیت ندارد.

از نظر جمعیت، گزینش معاونین، حق مسلم کاندیداهاست و بستگی دارد به اراده وصوابدید خود آن ها.

ما مصرانه می خواهیم که هر دو انتخابات(ریاست جمهوری وپارلمانی) به صورت همزمان و در یک فضای رقابت سالم و آزاد و به دور از هر نوع تنش وکشمکش برگزار گردد تا شاهد توسعهٔ سیاسی، استقرار، ثبات، امنیت و بازسازی متوازن وهمه جانبه در تمام عرصه ها باشیم وبالآخره بتوانیم که از مرحلهٔ گذار و دورهٔ انتقال با اطمینان و آرامش به مرحلهٔ ثبات واستقرار با داشتن رئیس جمهور منتخب و پارلمان منتخب عبور نماییم.

دفتر مطبوعاتی جمعیت اسلامی افغانستان

مجاهد فشردهٔ برنامه های
کاندیداهای ریاست جمهوری را
به نشر می رساند

مجاهد جهت آگاهی دادن به هموطنان عزیز در بارهٔ برنامه های کاندیداهای ریاست جمهوری وسهم گیری در روند برگزاری انتخابات در بدل وجه چاپ فشردهٔ برنامه های آنان را در شماره یی ویژه به نشر می رساند، لذا ازهمهٔ کاندیداهای ریاست جمهوری می خواهدکه فشرده زندگی نامه و برنامهٔ عمل و فوتوی خویش را به این منظور به دفتر مجاهد بفرستند.

دکتر نظیف شهرانی در مصاحبه با مجاهد:



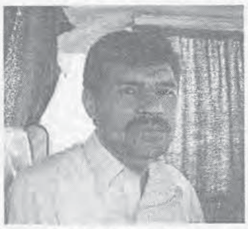
امریکا پس از حادثهٔ ۱۱ سپتامبر تعریفی غلط از امنیت خود وجهان داده است

ص۳

تأخیر انتخابات شورای ملی و چند دیدگاه

گزارشگر: ن. ملکیار

موضوع به تأخیر انداختن انتخابات پارلمانی یکی از بحث بر انگیز ترین مسائلی است که توجه بسیاری از دانشمندان وصاحب نظران را به خود معطوف داشته است ما در این باره نظریات شماری از استادان و دانشجویان دانشگاه کابل به خوانش می گیریم.


حاجی محمد نعیمی استاد دانشگاه طب


دکتر عبید الله عبید استاد دانشگاه طب

استاد دکتر عبیدالله عبید استاد دانشگاه طب کابل و وکیل منتخب شهر کابل در لویه جرگهٔ اضطراری و جرگهٔ تصویب قانون اساسی می گوید:

مسألهٔ انتخابات، موضوع طرف مناقشهٔ وکلا در جرگهٔ قانون اساسی بود، و به اثر پافشاری آنها، این موضوع در متن قانون اساسی نیزگنجانیده شد که انتخابات پارلمانی و انتخابات ریاست جمهوری همزمان برگزار گردد غیر از این دلایلی هم وجود دارد که همزمان بودن این دو انتخابات را قوت می بخشد.

اول این که افغانستان یک کشور فقیر است و توان پرداخت هزینهٔ دو انتخابات را ندارد.
ص۸

د کابل ـ تورخم لویه لاره به کله جوړه شي؟

ش - پامیر

دکابل ـ تورخم لویه لاره دهیوادوالو له پاره داقتصادي ارزښت په لحاظ ستر اهمیت لري له تیرو دوه نیمو کالو راپدي خوا په پرله پسي توګه خو څو خله تر جوړولو لاندي ونیول شوه خو دیو شمیر بي بنسته معاذیرو له مخي نی کار سرته ونه رسید او تر نن پوري دغه خنډ او خنډ له مینځه لري نشو.

لومړي خو پاکستان د تورخم ـ جلال آباد د لوئي لارې جوړولو ژمنه وکړه، خو نه لي پخپله جوړه کړه او نه ئي بل چاته پرېښوده، چي په خپل وخت ئي جوړه کړي. اوس ددغه سړک ترون د اروپائي ټولنې په مرسته له یوې چینائي کمپنۍ سره، لاسلیک شوي او څه موده مخکي لي کارونه په مقدماتي ډول پیل شول، خو دبده مرغه په کندز کي، د چینائي ساختماني کمپنۍ دیولسو تنو کارکوونکو، له خواشینوونکي پېښې وروسته، دجلال آباد ـ تورخم دسړک جوړولو کار هم ځنډېدلي دي. چي دنوموړي سړک دزیاتي خرابۍ او کنډو کپر له امله خلک له زیاتو ستونزو سره مخامخ دي.

له یوي خوا پښتوانۍ توره لیکه چي تر جوړېدو لاندي ده له موانعو او خنډونو نه ډکه ده او له بلخوا کومي فرعي او موقتي لارې چي دسړک دکارکوونکو له خوا جوړې شوي دنقلیه وسایطو دتګ راتګ په کارکي زیاتي ستونزي پیدا کړي دي.

دکابل ـ تورخم په لاره اوس په زرګونو لوي او کوچني موټر، کانتینر لرونکي کومازونه او دترانزیت مالونو شل ټایره ګاډي په حرکت کي دي چي دبده مرغه یو خو سړک په زیاته اندازه کنډو او کپر دي او بله
۶ مخ

نیرنگها و دروغهای یک جنگ آزادی بخش!

ص۷

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

جمعیت اسلامی افغانستان و کاندیداهای ریاست جمهوری

جمعیت اسلامی افغانستان بربنیاد سیاست اصولی و همیشگی خویش بر آن بوده است که راجع به قضایای ملی ومیهنی ، باید براساس توافق همه نیروهای جهادی وملی مطرح در کشور تصمیم گرفته شود.

جمیعت اسلامی افغانستان مبتنی بر همین باور وقتی باصدور قانون انتخابات چهارچوب مبارزات انتخاباتی مشخص شد، از همان آغاز خواست نیروهای جهادی و ملی بر بنیاد یک تصمیم جمعی نامزدی را برای احراز مقام ریاست جمهوری معرفی نمایند.

بر پایهٔ همین پیشنهاد، جمعیت معتقد بود که پیش از معرفی کاندیدایی مشخص، نخست باید برنامه یی مطرح گردد وسپس در چهار چوب ارزش های آن شخصی به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری معرفی شود.

درآخرین محلسی که به این ارتباط دائرگردید اصول وکلیات برنامه یی به عنوان آجندای ملی به آقای کرزی تقدیم گردید وایشان آن را پذیرفت ولی گفته شد که جزئیات و تفاصیل آن نیاز به تفاهم وکار بیشتر را دارد تا نهائی شود در حالی که برخی می خواستند این تفاهمات به عنوان توافقات نهایی تلقی گردد.

جمعیت متعاقباً ضمن بر گزاری کنفرانسی به تاریخ ۱۱ جوزا تحت عنوان «جمعیت اسلامی افغانستان و اعلام مواضع» اعلان کرد که مذاکرات با ریاست دولت تاهنوز پایان نیافته وتصمیم نهایی در آن مورد گرفته نشده است ومسألهٔ نامزدی آقای کرزی از سوی مجاهدین تا هنوز در حد یک تفاهم قرار دارد، بدین منظور جلسات تبادل نظر وتفاهم میان برخی از رهبران و سازمان های جهادی و سران مجاهدین صورت پذیرد وگسترده تر شود.

اکنون که با پایان یافتن مدت ثبت نام کاندیداهای ریاست جمهوری در ۵ اسد نامزدان این پست مشخص شده اند باز هم جمعیت در حمایت از کاندیدایی ویژه برمبنای فیصله های پیشین خواهان تصمیم جمعی مجاهدین است.

گفتنی است که نامزدی برخی از مجاهدین برای ریاست جمهوری بیرون از تفاهمات جمعی بوده است وناشی از تصمیم گیری شورای مجاهدین نیست. همچنان معرفی آقای احمد ضیاء مسعود به جای مارشال فهیم به مقام معاونت اول ریاست جمهوری از سوی آقای کرزی، موضوعی است که بستگی به خود آقای کرزی دارد و از دید جمعیت آقایان مارشال فهیم و احمد ضیاء مسعود هر دو متعلق به خانوادهٔ جهاد ومجاهدین هستند، اولی یکی از یاران قهرمان ملی کشور شهید احمدشاه مسعود است و دومی برادر آن شهید بزرگوار و از فعالان عرصهٔ جهاد وسیاست.

مجاهدین وخواست زمان

محمدنسیم فقیری

در شماره های چهارده و پانزدهٔ مجاهد تحت عنوان«مجاهدین و گذار از تنظیم های جهادی به احزاب سیاسی» در مورد این ضرورت که مجاهدین بایست خود را با شرایط جدید وفق دهند، مطالبی به نشر رسیده بود واینک چند مطلب دیگر به آن بحث اضافه می گردد.

گفتیم که در طی سال های جهاد وهجرت، جهاد مسلحانه و کار نظامی مشغولیت عمده واساسی رهبران، قوماندانان ومجاهدین را تشکیل می داد. در طی آن سال ها دوپایگاه مهم مجاهدین مورد بحث بود یکی مراکز رهبری در محیط های مهاجرت و دیگری سنگرها وجبهات جهادی در داخل، و با وجودی که گاه گاه رهبران جبهات و قوماندانان و سنگر داران به مراکز رهبری رفت و آمد داشتند وهمچنین با این که در جبهات نیز در کنار جهاد مسلحانه به امور فرهنگی، تبلیغاتی، تعلیمی و بازسازی توجه می شد، به صورت عمومی به دلیل موقعیت

> **لازم است تا در میدان مبارزات سیاسی وتقابل وتضارب آرا و اندیشه های گوناگون سیاسی به کسانی فرصت داده شود که با زبان عصر ومتدهای جهاد و مبارزه آشنایی داشته باشند**

خاص جغرافیایی مراکز رهبری وجبهات جهادی، فاصله هایی میان این دو وجود داشت.

در مراکز رهبری ومحیط مهاجرت هرنوع کار وفعالیت سیاسی، فرهنگی، مطبوعاتی وتشکیلاتی به صورت آزاد وبدون کدام قید وشرط صورت می گرفت و فقط رعایت مقررات کشور میزبان الزامی بود ولی محدودیت های جدی هرگز به ملاحظه نرسیده است و تنظیم های جهادی از آزادی عمل بیشتر برخودار بوده اند.

و لی در داخل وتوسط هسته های مخفی که یا مستقیماً از مرکز رهبری، و یا از جبهات دور و نزدیک دستور می گرفتند، کار سیاسی وفرهنگی وتبلیغاتی به صورت مخفی و با قبول خطراتی زیاد از تعقیب و شکنجه تا زندان واعدام صورت می گرفت.

اما اکنون باید تمام فعالیت های سیاسی وتبلیغاتی ونشراتی در مطابقت با احکام قانون اساسی، قانون احزاب وقانون مطبوعات صورت بگیرد. در آن شرایط، در داخل کشور وجبهات، این قوماندان بود که فرد بسیار مهم، قدرت مند و رکن اصلی و اساسی تنظیم جهادی به شمار می رفت. ولی اکنون وجود قوماندان و یا گروه مسلح غیر قانونی و... غیر قابل تحمل است و قوماندان جهادی در ترکیب اردوی ملی وطبق قوانین و مقررات دولت می تواند به حیث قوماندان یا صاحب منصب شناخته شود.

اکنون قوماندان نمی تواند در حزب سیاسی عضویت داشته باشد وقانون اساسی وقانون احزاب با صراحت وقاطعیت آن را ممنوع قرار داده و در اکثر کشورهای دنیا نیز به آنان این اجازه داده نشده است جز احزاب حاکم در نظام ها که با کودتا رویکار آمده اند!

در آن شرایط و به دلیل اهمیت فوق العادهٔ جهاد مسلحانه وفتوای علمای دینی، نقش علما وبزرگانی که با ایراد سخنرانی در اجتماعات احساسات دینی مردم را تحریک ومجاهدین را تشویق وتشجیع می نمودند، بسیار مهم وسازنده بود. ولی اکنون در کنار اهمیت علما ونقش مهم آنان در جامعه، لازم است تا در میدان مبارزات سیاسی وتقابل وتضارب آرا و اندیشه های گوناگون سیاسی به کسانی فرصت داده شود که با زبان عصر ومتدهای جهاد و مبارزه آشنایی داشته باشند.

در آن زمان با وجود تعدد تنظیم ها، یک نوع وحدت فکری، سیاسی ونظامی وجود داشت و آن اتفاق و وحدت نظر مجاهدین بود در مورد:

- تداوم جهاد مسلحانه تا خروج قوای اشغالگر و سرنگونی رژیم دست نشانده.
- تأکید بر اصول عقیدتی والتزام به احکام و دستورات اسلامی.
- رد موافقت نامهٔ ژنو
- رد مصالحهٔ ملی
- شعار حکومت اسلامی مجاهدین وتطبیق شریعت.

ولی امروز احزاب سیاسی با دیدگاه ها، خواست ها واندیشه های متفاوت ومخالف ظهور کرده اند و وارد میدان مبارزه شده اند.

در آن هنگام بحث انتخابات اصلاً مطرح نبود واکنون تمام تلاش ها وتوجه ها به سوی انتخابات معطوف و مرکوز گردیده است. انتخابات ریاست جمهوری وانتخابات پارلمانی وساحه ومیدان مبارزهٔ سیاسی، بسیار گسترده وفراخ گردیده است و می توان در داخل وخارج دولت و پارلمان این مبارزه را ادامه داد...

بنا بر این لازم است تا مجاهدین:

۱- به کار سیاسی، تشکیلاتی وحزبی اهمیت زیاد قائل گردند.

۲- به رعایت قانون عادت بگیرند.

۳- باتزکیهٔ نفس وبا تقوا وپاکدامنی نمونه هایی باشند از مجاهدین واقعی.

۴- به شعارها و آرمان های جهاد وشهدا وفادار بمانند.

۵- از زر اندوری، تحمل پسندی و هرنوع زورگویی جداً پرهیز واجتناب نمایند؛ زیرا این جفا وگناه بزرگ خواهد بود تا کسی را که به جان ومال و ناموس مردم تجاوز می کند، مجاهد خواند.

۶- در وحدت صف مجاهدین کوشا باشند و از هرنوع اختلاط و چند پارچگی جداً جلوگیری نمایند.

۷- هرگاه وحدت صف همهٔ مجاهدین ممکن و یا میسر نباشد، پس در ایجاد یک ائتلاف قدرتمند سعی وتلاش نمایند تا برای ریاست جمهوری کاندیدایی واحد داشته و یا از یک کاندیدا حمایت نمایند.

> **مجاهدین باید متوجه باشند که هرچند در دوران جهاد و مقاومت، بار سنگین دفاع از کشور، مردم و نوامیسدینی وملی را به تنهایی کشیده ومتحمل قربانی های زیادی گردیده اند، ولی اکنون در دوران فتح وتقسیم غنایم، مدعیان بی شماری به میدان آمده اند که نه تنها با ادعای سهم وشرکت در ساختار سیاسی و دولتی وبلکه به غرض حذف مجاهدین وارد صحنه وکارزار سیاسی گردیده اند وفقط هوشیاری، بصیرت، درایت، همدلی و یک پارچگی مجاهدین می تواند، همه توطئه ها و دسیسه ها را وضع وختثی نماید**

همچنین در انتخابات پارلمانی باید ائتلاف قدرت مند مجاهدین حضور فعال وگسترده داشته باشد و بدون شک که کاندیداهای آنان به پیروزی خواهد رسید.

۸- مجاهدین باید متوجه باشند که هرچند در دوران جهاد و مقاومت، بار سنگین دفاع از کشور، مردم و نوامیس دینی وملی را به تنهایی کشیده ومتحمل قربانی های زیادی گردیده اند، ولی اکنون در دوران فتح وتقسیم غنایم، مدعیان بی شماری به میدان آمده اند که نه تنها با ادعای سهم وشرکت در ساختار سیاسی و دولتی وبلکه به غرض حذف مجاهدین وارد صحنه وکارزار سیاسی گردیده اند وفقط هوشیاری، بصیرت، درایت، همدلی و یک پارچگی مجاهدین می تواند، همه توطئه ها و دسیسه ها را وضع وخنثی نماید.

امریکا پس از حادثهٔ ۱۱ سپتامبر تعریفی غلط از امنیت خود و جهان داده است

بهترین راه تأمین امنیت این است که ما به مردم اتکا کنیم

مصاحبه کننده: واقف حکیمی



امنیت امریکا و امنیت جهان از راه اعتمادملت ها به پالیسی های امریکا، به میان می آید اعتماد چیزی نیست که توسط قدرت نظامی آن را بتوان به دست آورد

اشاره
دکتر نظیف شهرانی یکی از چهره های علمی معروف در دانشگاه ها و مراکز پژوهشی ایالات متحدهٔ آمریکا و کارشناس در مسائل افغانستان است، ایشان دو روز قبل به دفتر مجاهد آمده بودند با اغتنام از این فرصت گفتگویی با ایشان انجام دادیم که طی آن ایشان نظریات و دیدگاه هایشان را در پیرامون مسائل سیاسی و اجتماعی کشور ابراز داشتند که اینک از نظر خوانندگان می گذرد.

امنیت وثبات سیاسی برای افغانستان، امروز به عنوان یکی از چالش های بسیار مهم در برابر دولت انتقالی اسلامی افغانستان و جامعهٔ جهانی قرار دارد و از توافقنامهٔ بن تا امروز یکی ازمسائل پر دغدغه در کشور بوده است. البته در این زمینه دیدگاه های مختلف وجود دارد، یکی به مسألهٔ خلع سلاح اهمیت بیشتر می دهد، دومی به مسألهٔ اقتصاد افغانستان اهمیت قایل است وآن دیگری برای حل منازعات، راهکارهای سیاسی را پیشنهاد می کند، شما به عنوان یک کارشناس و یکی از محققان مسائل جامعهٔ افغانستان در این زمینه چه باورهایی دارید؟

در مسائلی که شما طرح کردید از همه مهم تر مسألهٔ امنیت است. البته کسانی که در رأس قدرت قرار دارند نیز همچو چیزهایی را به زبان می آورند و امید مردم ما هم همین است که باید تا حد امکان صلح وآرامش در جامعه برقرار باشد و امکانات بازسازی کشورمان بهتر شود. متأسفانه در طول دونیم سال ونزدیک به سه سال گذشته یک سلسله اقداماتی که صورت گرفته،بسیار ناکافی است. امریکا بعد از حادثهٔ۱۱سپتامبر ۲۰۰۱ یک تعریف کاملاً نادرست در بارهٔ امنیت خود امریکا وجهان طرح کرده است که اثراتی سوء بر تأمین امنیت در افغانستان هم داشته است. امریکایی ها بعد از این واقعه فکر کردندکه امنیت امریکا را می توانند از طریق نیروی نظامی فوق العاده قوی و پلیس و استخبارات تأمین کنند واین کار را با جنگ بر ضد تروریزم شروع کردند و جنگ بر ضد تروریزم بخش اولش در افغانستان انجام شد وبعد تر به جاهایی دیگر مثل فلیپین و بالآخره به عراق کشانده شد. در طول دونیم سال، امریکایی ها به صدها میلیارد دلار بر هزینهٔ نظامی خود افزودند وهمچنان در شبکهٔ پلیس و استخبارات مصارف فوق العاده گزاف را سرمایه گذاری کردند اما نتیجهٔ آن در به میان آوردن امنیت، هم در میان افراد امریکا و هم در میان جامعهٔ شان و دولت شان تقریباً به صفر وپایان تر از ان تقرب کرده است.

اگر ما به درستی دستاوردهای جهاد را درک می کردیم و از لحاظ تاریخ اگر درست تر در بارهٔ موضوعات فکر می کردیم، می فهمیدیم که در گذشته مانیروی نظامی خیلی بزرگ در کشور داشتیم

در امریکا هیچ امریکایی نمی گوید که امروز خود را مأمون تر احساس می کنم و امنیت شخص، خانواده یا مملکت خود را بهتر از روز یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ می بینم، علت اساسی به نظر من این است که امنیت اصلاً مساله یی نیست که توسط قدرت نظامی یا زور، به دست آید. امنیت امریکا و امنیت جهان از راه اعتمادملت ها به پالیسی های امریکا، به میان می آید اعتماد چیزی نیست که توسط قدرت نظامی آن را بتوان به دست آورد، اعتماد به پول خریده نمی شود، اعتماد را به زور به دست آورده نمی توانیم. اعتماد چیزی است که باید در روابط بین افراد، بین کشورها و میان حکومت ها ومردم باید به دست بیاید.

تأسف من در مورد پالیسی های امریکا در افغانستان این است که اینها عین اعمالی را که در امریکا فکر کردند به امنیت شان کمک میکند در افغانستان هم راه انداختند.ولیکن هیچ کدام این چیزها به شکلی که آنها می خواستند تاکنون ثمر بخش نبوده است وامنیتی یی را که فکر می کردند از این راه به دست بیارند، نیاوردند. عدم اعتماد درمیان مردم وحکومت از دونیم سال قبل بیشتر شده است. اعتماد بر برنامه های سازمان های بین المللی که در اینجا حضور دارند، روز به روز کمتر شده می رود.

تأسف دیگر این است که این روش در دو نیم سال گذشته برای ما نتوانسته امنیت بیاورد، در دوسال آینده، پنج سال آینده تا ده سال آینده هم اگر چنین برنامه ای باشد، امنیت در افغانستان آمدنی نیست. راه هایی دیگر وجود داشت که می شد به بسیار آسانی از آن طریق امنیت را به وجود آورد و اعتماد مردم را کسب کرد.

تعریفی از امنیت که از نظر شما توأم با اعتماد مردم باشد چه نوع تعریفی از امنیت است ؟

منظور از به میان آوردن امنیت این است که ما باید توأم بااعتماد به مردم خود در سطح محل ومنطقه اتکا کنیم اگر ما به درستی دستاوردهای جهاد را درک می کردیم و از لحاظ تاریخ اگر درست تر در بارهٔ موضوعات فکر می کردیم، می فهمیدیم که در گذشته مانیروی نظامی خیلی بزرگ در کشور داشتیم، منظم بود، قشله های عسکری بود، صاحب منصب ها بود ما یک نیروی صدوبیست هزار نفری داشتیم، قوهٔ پلیس بسیار بزرگ داشتیم، ما از خود نپرسیدیم که آیا این نیروی نظامی در گذشته از افغانستان دفاع کردند، امنیت را تأمین کردند؟ اگر ما این سؤال ها را طرح می کردیم می دیدیم که درهیچ مقطعی از تاریخ کشورمان، قوای نظامی دولتی از افغانستان دفاع نکرده اند. پس باید سوال دیگری را طرح کنیم که آزادی کشورمان را در برابردشمنان خارجی وداخلی که به دست آورد؟

اگر ما این سؤال را مطرح می کردیم جهاد مدرسه یی بزرگ برای ما می بود. جامعهٔ ما وقتی در برابر ظلم و کفر وکمونیزم قرار گرفت، مردم از مساجد، قریه ها ودهات جهاد را شروع و از وطن دفاع کردند. این یک آزمون بزرگی بود که در جامعهٔ مابه تجربه گزفته شد ما اگر این درس، را از دستاوردهای جهاد می آموختیم، باید در این مقطع بازهم دوباره به مردم خود اتکا می کردیم. درست است که در ظرف چار سال یک تعداد مردم تفنگ دار نا اهل در کشور ما پیدا شده و مردم ما به خوبی می شناسند که این ها چه کسانی هستند فقط تفنگ های مردم نا اهل را می گرفتیم وهیچ گاه خلع سلاح عمومی را در کشورمطرح نمی کردیم. ما باید همیشه سلاح را در دست مردمان معقول و صاحب اعتمادبدهیم وبهترین راه تأمین امنیت همین است که ما به مردم اتکا کنیم در این صورت در ظرف دو نیم سال می توانستیم یک حکومت مردمی واقعاً نزدیک تر به اساسات دموکراسی می داشتیم. متأسفانه ما به این چیزها هیچ توجهی نکردیم و همیشه تمام کسانی که در اطراف ،تفنگ داشتند خوب بودندیا بد همهٔ شان را با یک برس رنگ زدیم، همه شان را از مرکز تفنگ سالار خطاب کردیم و در نتیجه همان امنیتی را که می توانستیم با اتکا به مردم در جامعهٔ خود به میان بیاوریم، از دست دادیم و دردغدغهٔ ساختن اردوی ملی و پلیس ملی گرفتار شدیم وخارجی ها هم با این طرح یکجا شدند، چون این موضوع به تعریف امنیت نزد آنها نزدیک تر بود. از این لحاظ ما فعلاً در یک جنجال خیلی بغرنج گرفتار هستیم که من متأسفانه امیدواری زیادی به پایان آن ندارم. مثلی که هم وطنان دیگر را در اطراف در ظرف دو نیم سال گذشته دیده ام، آنها هم کمتر امیدواری دارند. این امیدواری ها متأسفانه کمتر شده می رود و به منفعت آیندهٔ جامعهٔ ما نیست.

جناب دکتر صاحب شما به این باور هستید که باید در تعریف امنیت در سطح جهانی باید باز نگری شود. در جامعهٔ افغانستان ضرورت آن بیشتر دیده می شود تا در تعاریف و دیدگاه های مربوط به امنیت تغییر به وجود بیاید، آن دیدگاهی که تکیه برخلع سلاح کردن عمومی دارد، ملل متحد و به ویژه دفتر سیاسی آن یونیما، حتی دلایل به تأخیر افگندن انتخابات پارلمانی را در همین نوع تعریف ازامنیت که شما فرمودید، دیده است، به این لحاظ شما مثال هایی از کشورهایی دیگرکه دارای تقریباً شرایط مشابه به افغانستان بوده اند، دارید که در جستجوی امنیت و ثبات سیاسی راهی غیر از این راه را پیموده اند، در این رابطه مثال هایی می توانید تذکر بدهید؟

می خواهم دو چیز را طرح بکنم، یکی این که اگر امریکا از طریق صرف پول فوق العاده زیاد و از طریق جنگ با تروریزم می خواهد به تامین امنیت بپردازد اینها تا هنوز موفق نبوده است. پس چه راهی در پیش گرفته شود که میان امریکا و جهان سوم، بالخصوص مسلمانان اعتماد خلق شود . در این راستا یگانه کاری را که امریکا باید بکند این است که پالیسی های خارجی خود را در برابر جهان اسلام تغییر بدهد. نقاط ضعفی راکه باعث خشم مردم مسلمان شده درک بکند و آنها را ترمیم نماید در این جا بسیار حرف ها ست مثلاً جنگ هایی را که امریکا درعراق به راه انداخته باعث تشدید بدبینی مسلمانان در برابر امریکاشده است، امریکا جنگ های اسرائیل در برابر مردم فلسطین را تقویه می کند این هم باعث زیاد شدن بدبینی ها گردیده است. همچنان پالیسی دیگری که قابل اصلاح است این که از حمایت حکومت های دیکتاتوری یک قومی در جوامع چندین ملیتی باید دست بردارد. از یک قوم یا از یک گروه خاص باید طرفداری نکند.

حالا می آییم به این که ما چطور می توانیم در جوامع چند ملیتی خود مان که در صد سال گذشته شاهد بدبختی های ناشی از تبعیض وتعصب بوده ایم، راه حلی پیدا کنیم تنها راه حل مطلوب این است که ما باید به سه اصل توجه کنیم:

اول: این که باید تمام پست های سیاسی در کشور در سطح ملی در سطح ولایتی، منطقه یی و ولسوالی حتی در سطح روستاها هم توسط انتخابات وبا آرای عام و به شکل سری تعیین شود.

اصل دوم: این است که باید پست های مسلکی ، وظایف مسلکی و اداری به افرادی کاردان سپرده شود مثلاً اگر قاضی است، حاکم است مستوفی است و قوماندان پلیس است. باید از طرف کمیته ها و کمیسیون های مردم استخدام شوند.

اصل سوم: این که ما باید ادارهٔ محل را به خود مردم محل بسپاریم اما به این معنی نه که مردم از میان خودشان مدیران خود را انتخاب بکنند ، بلکه باید اعلان بکنند که مثلاً به اشخاص مجرب در ساحهٔ قضا ضرورت است، در قوماندانی پولیس به اشخاص دارندهٔ این صفات ضرورت است، در مستوفیت به این افراد نیز ضرورت است، در معارف، در تحصیلات عالی و به این ترتیب هر شهروند افغانستان در هر جایی که باشد بتواند در خواست بدهد و کمیته به اساس اهلیت آن را انتخاب کند.

ص۵

دریغی برای لیلا

محمداسحق فایز



رسم بدی درمیان ما آدم های دوپای و از "خود گریز" مانده است و آن این که درزندگی "شغاد" همدیگریم و "کاووس" گونه از بذل نوش دارو برای مداوای زخم "جان" و تن همدیگر احتراز می کنیم ، و آن گاه که مرگ صاعقه وار فرو می آید و یکی از ما را می رباید ، گریبان می دریم و اشک تمساح می ریزیم که های فلان و های فلان ... سوگوار می نشینیم و گاه مراثی وسوگنامه ها می سراییم .

وبدین منوال من نیز با چنان احوال و مناسبتی ، درسوگ از دست رفته یی قلم می زنم و به همین مناسبت یادی از خاطره یی می کنم که روزی با آن عزیز از دست رفته برایم رخ داده بود.

یادم نمی رود، بهار سال ۱۳۶۶ خورشیدی بود . من در لیسهٔ دخترانهٔ مریم درشهر کابل آموز گار بودم . به مناسبتی که یادم نیست از سوی انجمن ادبی آن لیسه، لیلا صراحت روشنی دعوت شده بود. سر ساعت مقرر " لیلا " به محفل ادبی ما حاضر شد و تا پایان محفل با ما بود، و حتی در پایان نشست ما نوبت گرفت و به عنوان حسن اختتام، چند لحظه سخن راند و شاگردان انجمن را تشویق کرد که قلم را رها نکنند و با مطالعه و پشت کار قافلهٔ شعر و ادب را همراهی کنند.

او شمرده و با نفس های سوخته سخن می گفت؛ آن سان که آدم گمان می برد شاید مسافتی را دویده باشد. متین و آرام صحبت می کرد و لبخندی تلخ و حزن آلود همیشه برلب داشت. من پیوسته از آن به بعد وقتی او را می دیدم، به یاد تابلوی نقاشی شدهٔ" لبخند ژوگوند "اثرلئوناردو داوینجی می افتیدم که مریم مادر مسیح را نشان می داد که با تلخی جهان و آن چه در آن است را به استهزا می گیرد. برای من این آغاز خوبی بود . آشنایی با دوشیزهٔ شاعری که بعد ها دانستم ، استاد واصف باختری تأویلش می گرفت و او را قدر می کرد.

شش سال از آن روز آشنایی گذشت و هراز گاهی که به انجمن شاعران و نویسندگان می آمدم او را می دیدم. روزی پارچه غزلی سرودم و به او اهدا کردم که سخت خوشحال شد و برایم آرزوی پیشرفت وترقی کرد. دو بیت آغازین آن غزل چنین بود :

بهار گلشن و راغ ترا خزان نرسد
به شاخ پر ثمرت دست ناکسان نرسد
شکفته ی تو زگل بتهٔ ولایت من
شکوه فصل ترا آفت زمان نرسد

این غزل هیچ گونه لطف وزیبایی نداشت و حتی چند مورد اشکال بزرگی هم داشت ولی لیلا این برگ اهدایی من را پذیرفت و خوشحال شد.

زمستان سال ۱۳۷۰ من همسرم را از دست دادم. کودکانم پراگنده شدند و من به تنهایی در منزلی کرایی درکابل زندگی می کردم. اندوه بزرگی داشتم و این اندوه سرانجام سلامت روانی ام را از من گرفت و وضعیت بسیار بدی یافتم.

لیلا در عصر یکی از روز های آن زمستان برای ادای فاتحه به خانهٔ من آمد. می دانست که وضعیتی آشفته دارم. با مهربانی ولی با تأثری عمیق نشست از کودکان من و از زندگی من پرسید، وقتی من بازگویی ما جرا را آغاز کردم، بغض تلخی در گلویش نشست، و آنگاه آرام وبی صدا گریه یی را آغازید که من تا آن هنگام ندیده بودم، گریه یی که با احساس همراه بود و با همنوایی وصداقت توأم. وهیچ گونه تذویر و ریایی در آن نهفته نبود.

ازمن گرفتندت
آن سان که سیلاب،
صداقت باران را
آن سان که مرگ....
... و کاری از دست بر نمی آیدم
"لیلا" صراحت روشنی"

وقتی چای وشیرینی آماده شد، روبه رویش نشستم از اضطراب هایم پرسید وآن حالات خاصی که بر من آمده بود. با من قرار گذاشت تا فردا مرا به مطب پروفیسور برنا آصفی ببرد (اگر نام آن دکتر مهربان را اشتباه نکرده باشم). فردا نیم ساعت پیش از وقت قرار مان، به وعده گاه آمدم، دیدم او قبل از من آنجا حاضر است و این کار موجب تعجب بیش از حد من شد.

مرا غافلگیر کرده بود. دست دادیم و سوی انجمن شاعران و نویسندگان افغانستان واقع شهر نو روانه شدیم و بعد با هم به مطب دکتر برنا رفتیم.

هرگز فراموش نمی کنم او در آن لحظات سخت و دشوار مانند فرشتهٔ نجات دربرابرم سبز شد و بالاثر توجهات و سفارشات او بود که من توانستم سلامتی خود را باز یابم، از آن گاه تا این دریغ و درد اکنون.

"لیلا" مردانه با زندگی و نا ملایمات آن دست و پنجه نرم کرد. دربرابر طاغوت سیاه و سرخ زمانه ایستاد و هیچگاه نیز بر آستان هیچ کسی سرخم نکرد.

لیلا غم تلخ و جانگاهی در " اندرونش داشت"، درشادترین لحظات زندگی غمگین بود و با آن که غم ریشه هایش راپوسیده بود و تارهای اندیشه اش را، او داد می خواست و از خدایش می طلبید:

می شود پوسیده از غم ریشه ام
تار های محکم اندیشه ام
داد میخواهم خدا یا داد ده
قلبم از او واستان ، برباد ده

لیلا چکاد برتر شعر زنان سرزمین من است. (سرزمین من بود !) این مقال بی هیچ گزافه یی درمورد او صدق می کند. نمی توان او را با هیچ شاعر زنی از گذشته تا حال در سرزمین خود مان مقایسه کرد. او همیشه چند سرو گردن از همگنانش درمیان زنان بالا بوده است و این حقیقتی است که باید آن را پذیرفت و آن را قبول کرد.

کلامش صریح و روشن است و درآن تهذیب و ادبی شرمناک چهره می نماید. با آن که کلام دلنشین یک زن است، برهنه نیست و با ظرافت وشرمناکی زنانه یی مکنونات ذهن و ضمیر یک زن شیفته وعاشق و عصیان گر را باز تاب می دهد، آن سان که از یک پهلوان معرکه ها می توان انتظار داشت.

لیلا برترین چهرهٔ مشخص درمیان بانوان سخنگوی سرزمین مان بود و هست. به یاد می آورم روزگاری درمیان سالهای دههٔ (۶۰) خورشیدی در مقام مقایسه او با چند چهرهٔ برازنده شاعرهای زن در کشور مان، استاد و اصف باختری برایم گفت، آنها باید ده سال دیگر کتاب بخوانند (اشاره به شاعران زن غیر از لیلا) تا با او همسری کنند. این قضاوت اکنون که لیلا به جاویدانگی پیوسته است و آن شاعر زن ها دفتر ودیوان بیرون داده اند، سخت پابر جا و دقیق می نماید و همچنان صادق است.

لیلا در سالهای استیلای کمونیزم واشتغال افغانستان به وسیله روسها مقاوم وعصیانگر بوده پدرش به وسیله کمونیستها کشته شده بود و او این جنایت را هر گز بر آنها نبخشید و تنفر از رژیم را تاپای جان حفظ کرد.

درد او دریغا !

اینک صاعقهٔ مرگ از آسمان فرو فرستاده شد. برجان بیمار و درد ناک او افتید ، قامت شکوه مند و صبور و مقاومش را نا گاه شکست و مصیبتی برجامعهٔ فرهنگی ما نازل شد که شاید تا چند نسل دیگر آن را جبیره نتوانیم کرد.

لیلا قامت اسطوره یی شعر زنانهٔ سرزمین مان بود و نجابت و حجب شعر او شاید تا چند ده سال دیگر نتواند بدیلی در ادبیات سرزمین مان دریابد.

xxx

حالا که این مقال (یاد نامهٔ لیلا صراحت روشنی) را به پایان می رسانم، صدای نفس های نامنظم وسوختهٔ او را می شنوم . گیلاس چای در دستش آرام، آرام به سوی لبانش نزدیک می شود. دلداریم می دهد و همرا ه باآن به استقامت وبردباری فرایم می خواند. دوقطره اشک شور صادقانه بر گونه های گندمی اش می ریزند و آنگاه توفانی از آن سوی ،ازدیاران غریبه، غربت غریو و عربده می کشد . لیلا درمیان ما نیست. لیلا مزهٔ تلخ دو شلاق را چشید: شلاق غربت و شلاق مرگ.

روانش شاد با د

دو شعر از لیلا صراحت روشنی

بی بار

آمدی اما نه همچون ابر پر بار بهاران
آمدی سرد و فسرده چون روان سوگواران
آمدی بی بار تر از دست های سبز پاییز
آمدی بی روح تر از انجماد آبشاران
آمدی نی یک ستاره روشنی در دیده گانت
آمدی نی بر لبانت یک سرود شاد باران
آمدی زگفتم به دل کز آفتاب مهربانی
آب گردد برفهای انتظار بی قراران
با حضور آفتابت شب به خاک و خون نشیند
رنگ ظلمت شسته گردد از دل شب زنده داران
با بهار دستهایت بستری افسرده گی را
با نوازشهای بارانت ببالد سبزه زاران
آمدی در هر نگاهت آذرخش و ابر باهم
ابر بی باران و آذر خنجری بر جانسپاران
رفته بودی چون غرور سرفراز کوهساران
آمدی قامت شکسته چون گذشت روزگاران
آمدی اما نه همچون ابر پر بار بها ران
آمدی سر دو فسرده چون روان سوگواران

کوره راه پریشانی

به کوره راه پریشانی چراغ چشم تو روشن شد
چراغ روشن چشم تو هزار آیینه در من شد

●●●

ضمیر هستی باورها نهان به ظلمت یلدا بود
نشسته شعله به خاکستر شکسته بال تمنا بود
و آسمان دوچشم من کویر تشنه تن و خسته
که بیقراری باران را به سنگ صبر فروبسته
رسوب ناله به دل سنگی که می شکست نوایم را
رسوب شب به نگاه من، ببسته بال همایم را
روانه پا به رهی کانرا نه روشنی نه بهاری بود
نه تشنه گان کویر ش را زخواب آب قراری بود

●●●

که ناگهان به سر راهم چراغ چشم تو روشن شد
چراغ روشن چشم تو هزار آیینه در من شد
چو آفتاب حضور تو دمید در شب پندارم
دمید از دل آیینه شکوه باور بیدارم

●●●

بگو دوباره چرای دوست اسیر بخت نگونسارم
چراغ دیده نیفروزی فراز این شب بیمارم؟

امریکا پس از حادثهٔ ۱۱ سپتامبر تعریفی غلط از امنیت خود و جهان...

اگر پست های سیاسی را در ولایات ومحلات مانند ولسوال ها والی ها، مردم از میان خود شان بر گزینند در این صورت اداره یک توع به دست مردم می باشد. اما در مورد پست های تخصصی مانند قضا و قوماندان امنیه که به تحصیلات ضرورت دارند، چه کاری باید شود که حکومت مرکزی باید در گزینش آنان دخیل باشد؟

با هر افغانی که به آن صفات عیار باشد و مردم او را بشناسند، گفتگو کرده شود گذشته هایش را مطالعه بکنند و بگویندش که شما حاضر هستید خدمت بکنید. حکومت مرکزی ضرورت است که در کار گزینش آنان تاحدی دخیل باشد. وظایف حکومت مرکزی را با حکومت های محلی باید تفریق بکنیم . در گذشته حکومت های مرکزی هم قانون می ساختند و هم قانون را اجرا می کردند، هم قضاوت می کردند و هم تفتیش ، همه چیز در دست مرکز بود بعد از این حکومت های مرکزی باید دو وظیفه داشته باشند، یکی قانون سازی برای تمام کشور از طریق پارلمان.

اما حالا هم یک دریچهٔ امیدواری داریم و آن این است که انتخابات پارلمانی پیشتر از انتخابات ریاست جمهوری باید دایر شود ، اگر نمی شود هردو باید همزمان باشد تا ما نماینده های مردم را در پارلمان داشته باشیم

دوم اجرای قوانین اما اجرای قوانین باید به مردم محل سپرده شود. حکومت مرکزی باید در تطبیق قوانین دست نداشته باشد فقط در ساختن و در تفتیش از اجرای آن سهم بگیرد.

حکومت مرکزی باید قدرتی داشته باشد وقتی کسانی مسؤولیت اجرای قوانین را درسطح روستا، ولسوالی و یا ولایت دارند و تخطی از قانون می کنند، باید حکومت مرکزی مداخله بکند و نگذارد که این کار را انجام بدهند.

شما کاملاً بر خلاف کسانی می اندیشید که برای تأمین امنیت اقتدار و نیرومندی حکومت مرکزی رابه گونه فرمانروایی از مرکز تصور می کنند؟

من کاملاً بر خلاف آن هستم زیرا وقتی حکومت مرکزی این قدر قدرت داشته باشد، همیشه حاکم خواهد بود نه مدیر. ما باید از حالت حکومت داری به حالت مدیریت تغییر موقف بکنیم و از حالت تابع بودن و رعیت بودن به مقام شهروندی مردم خود را ارتقا بدهیم.

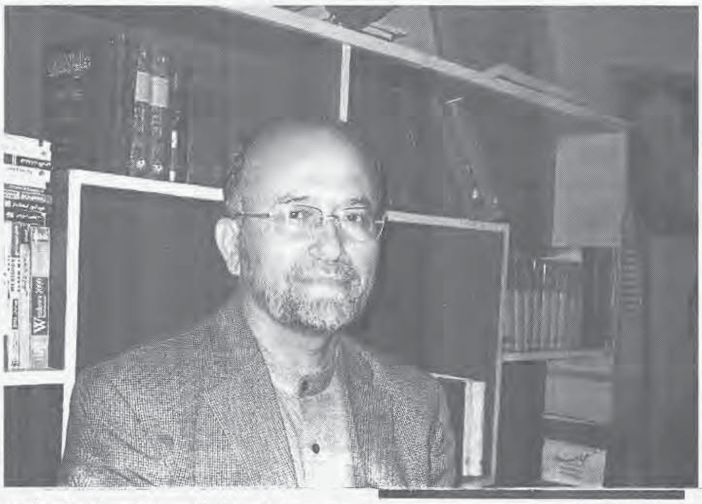
هر چند سخنان شما بعد از تصویب قانون اساسی فعلاً به یک بحث جامعه شناختی می تواند شباهت داشته باشد، کاش به این مسائل به صراحت در قانون اساسی توجه می شد، اما جای حقوقی این مسائل تا هنوز در قانون اساسی محفوظ است که اگر حکومت منتخب آیندهٔ افغانستان به آن توجه کند و صلاحیت هایی که از طریق پارلمان باید به حکومت های محلی، به ولایات به شورای های ولایتی و ولسوالی ها داده شود شاید برخی از نظریات شما تحقق یابد؟

در قانون اساسی ما حقوق ، وظایف وصلاحیت های شورای ولایت، شورای ولسوالی شورا های دهکده کنگ است. اگر همین قدر گفته می شد که شورای ولایت ، شورای ولسوالی ، شورای روستاها عین حقوق ومسؤولیت هایی دارند که پارلمان مرکزی افغانستان در سطح کل کشور دارد، ما در حقیقت یک قانون اساسی کاملاً موکراتیک می داشتیم اما مع الاسف اصرار به حکومت قوی ریاستی ما را از این آمال به دور نگهداشت. اما حالا هم یک دریچهٔ امیدواری داریم و آن این است که انتخابات پارلمانی پیشتر از انتخابات ریاست جمهوری باید دایر شود ، اگر نمی شود هردو باید همزمان باشد تا ما نماینده های مردم را در پارلمان داشته باشیم و این پارلمان در قسمت تعیین حقوق و مسؤولیت های شورا های ولایات ، ولسوالی ها ودهات دوباره به قانون اساسی اتکا بکند و حقوق موازی و مسؤولیت های موازی به این شورا را بدهد در این حال امکانات دولت سازی دموکراتیک را به میان خواهد آورد و از رعیت بودن خلاص خواهیم شد و به مرحلهٔ شهروندی ارتقا خواهیم کرد

از این رو مسؤولیت مردم ما در تعیین اعضای اولین پارلمان در دولت بعد از طالبان خیلی سنگین خواهد بود متأسفانه اعتماد در برابر مردم و کسانی که فعلاً حاکمند خیلی کم است . ما اگر بر آن ها اعتماد بکنیم و آنها نمایندگان واقعی خود را به پارلمان انتخاب بکنند و بفرستند و به خواست های مردم جواب مثبت بدهند در حقیقت اولین گامی را در جهت ازدیاد اعتماد میان مردم و دولت بر می داریم.

پیش از این که به بحث انتخابات برویم می خواهم از جناب شما تقاضا کنم که آیا مثالی از کشور های با ثبات جهان که دارای یک چنین ساختار اداری غیر متمرکزی باشند که در آن شوراهای ولایت، ولسوالی ها و روستا دارای صلاحیت های محلی و همچنان از ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی به ویژه کشور های غربی باشد ؟

دو مثال که متأسفانه در جامعهٔ ما آن قدر خوب فهمیده نشده، امریکا و جامعهٔ امروزی اروپا است. امریکا با وجودی که از دور معلوم می شود که تمام قدرت در واشنگتن متمرکزاست و همه چیز از واشنگتن کنترل می شود اما درواقعیت این چنین نیست. حکومت فدرال یا حکومت مرکزی امریکا در چند زمینه خیلی مقتدر است. یک زمینه یی که خیلی مقتدر است سیاست خارجی امریکا است. در مورد سیاست خارجی دولت مرکزی قدرت را دارد. در قسمت مسایل دفاعی و حراست از بنادر ومرزهای امریکا حکومت فدرال قدرت مند است امادر داخل امریکا نقش حکومت فدرال بسیار کم و نا چیز است. مردم شهر های شان را خود اداره می کنند قوای پلیس شهر توسط خودمردم شهر انتخاب می شود . تمام کارمندان از طرف مردم استخدام می شوند ، هیچ کس ، هیچ کس را مقرر نمی کند ، همه چیز باز است ، شفافیت است، حکومت های محلی -به شکل ولسوالی ها- از خود شورا دارند، کمشنر های شان را انتخاب می کنند، و کسانی را که در ریاست های دفاتر مقرر می شوند بایدبرای شان اعتماد مردم را کسب کرد. قاضی ها مستقیماً از طرف مردم انتخاب می شوند. ایالت های امریکا ، از خود پارلمان دارند والی ها ی ایالت ها به آرای عمومی مردم انتخاب می شوند و چندین پست دیگر همه انتخابی است. بر علاوه یی که شورا دارند، شوراهای شان انتخابی است وشورا ها باید به والی ها رأی اعتماد بدهند مثلی که کانگرس یا پارلمان امریکا به حکومت مرکزی رأی اعتماد می دهد.



به راه انداختن یک انتخابات پارلمانی برای بهبود وضع امنیت در کشو رکمک زیاد خواهد کرد تا به تأخیر انداختن آن

مثال دیگر اروپا است . در بعضی کشور های اروپایی که امروز جزء جامعهٔ اروپا هستند ۲۵ سال قبل شکل حکومت های متمرکز قوی مثل افغانستان و کشورها در حال توسعه دیگر را داشتند، ایتالیا ، هسپانیه، پرتگال این ها در ظرف ۲۵ سال گذشته حکومت متمرکز قوی را از هم پاشانده اند و به غیر متمرکز بودن راه بردند و امروز مانند جامعهٔ انگلستان، فرانسه یا جرمنی ویا جوامع دیگر اروپایی که چند سال پیش جزء حکومت های استبدادی کمونیستی بودند، امروز همه شان به اداره محلی رو آورده اند، بر مبنای اصول سه گانه یی که پست های سیاسی باید انتخابی باشد ، پست های مسلکی توسط استخدام و توسط نماینده های مردم و توسط کمیته ها انتخاب شوند، مانند جوامع پیشرفته امروز ادارهٔ شان را عیار ساخته اند و جوامعی که به این اصول اتکا نکرده اند فقط شکل حکومت غرب را دیده اند ولی اصول ا دارهٔ شان را قبول نکرده اندآن ها در بدبختی گرفتارند.

شما به مسألهٔ انتخابات اشاره کردید . انتخابات ریاست جمهوری باید در میزان و انتخابات پارلمانی قرار اعلامیه دفتر مشترک انتخابات و دفتر یونیما و در نهایت دولت به ماه ثور واگذار شده است، شما یک چنین تصویر را برای امنیت و برای ثبات در افغانستان چگونه می بینید؟

من به تأخیر انداختن انتخابات پارلمانی را اصلاً یک قدم غیر دموکراتیک می دانم. تا هنوز دو انتخابات سراسری کشوری داشته ایم. هر دو انتخابات لویه جرگه اضطراری ولویه جرگهٔ قانون اساسی ، تنها کاری راکه لویه جرگه انجام داد انتخاب یک فرد به حیث رهبر کشور بوده است. ضرور نیست که انتخاب است. سوم را هم برای تأیید و تاکید همین اصل به کار ببریم . ما رئیس جمهور منتخب نسبی در کشور فعلاً داریم، اما آنچه کشور ما ضرورت دارد، وجود یک پارلمان انتخابی از نماینده های مردم ازتمام نقاط کشور می باشد.

تا این دو قوه ، قوه اجرائیه و مقننه پهلوی هم قرار بگیرند و توازنی که ضرورت است به میان بیاید.

به راه انداختن یک انتخابات پارلمانی برای بهبود وضع امنیت در کشو رکمک زیاد خواهد کرد تا به تأخیر انداختن آن

در ظرف دو نیم سال گذشته امیدواری ها کمتر و از اعتماد مردم کاسته شده است. اگر باز هم انتخابات پارلمانی را به تأخیر بیندازند خلا میان مردم و دولت و عدم اعتماد مردم نسبت به دولت بیشتر خواهد شد و این، موجب مشکلاتی خیلی زیاد خواهد گردید. به عقیدهٔ من هر چه زود تر انتخابات پارلمانی صورت بگیرد و به ازدیاد اعتماد مردم و دولت منجر خواهد شد وامیدواری های مردم در برابر دولت افزایش خواهد یافت. ص ۶

بیست وسه تن نامزد انتخابات ریاست جمهوری اعلام شد

با اعلام کاندیداتوری آقای کرزی و آقای قانونی در آخرین ساعات روز دوشنبه ۵ اسد آخرین روز مهلت برای ثبت نام کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری شمار کاندیداهایی که شرایط ثبت نام را مهیا کرده اند به ۲۳ نفر رسید و سه شنبه ۶ اسد سال جاری اسمای این بیست وسه نفر از کاندیدا های ریاست جمهوری همراه با نام های غالب معاونان شان از طریق رادیو و تلویزیون دولتی توسط سید ذکیم شاه رئیس دفتر انتخابات اعلام شد، بدین گونه:

• محمدمحقق فرزندمحمدسرور از ولایت بلخ کاندیدای مستقل

نصیر احمد فرزند فضل الرحمن از ولایت کابل معاون اول

عبدالفیاض مهر آیین فرزند محمد سلیم از ولایت سمنگان معاون دوم

• میر ابو طالب کاظمی فرزند گل آقا کاظمی از ولایت کابل کاندیدای مستقل

• احمد شاه احمدزی فرزند دولت خان از ولایت کابل کاندیدای مستقل

عبید الله عبید فرزند عبدالوهاب از ولایت کابل معاون اول

عبدالمنان ارزگانی فرزند عبدالحسین از ولایت ارزگان معاون دوم

• عبدالحکیم حاجی فرزند سلطان محمد از ولایت پکتیا کاندیدای مستقل

• عبداللطیف پدرام فرزند اسلام الدین از ولایت بدخشان کاندیدای حزب کنگرهٔ ملی

حاجی احمد نیرو فرزند عبدالمجید از ولایت سرپل معاون اول

محمد قاسم معصومی فرزند حسین علی از ولایت میدان وردگ معاون دوم

• غلام فاروق نجرابی فرزند عبدالقدوس نجرابی از ولایت کاپیسا کاندیدای حزب استقلال

عبدالفتاح فرزند فیض محمد از ولایت کابل معاون اول

عبدالمنان فرزند عبدالعزیز از ولایت کاپیسا معاون دوم

• عبدالحفیظ منصور فرزند محمد حسین از ولایت پنجشیر کاندیدای مستقل

سید محمد اقبال منیب فرزند سید عبدالقادر از ولایت سمنگان معاون اول

محمد ایوب قاسمی فرزند سخی داد از ولایت غزنی معاون دوم

• عبدالستار سیرت فرزند عبدالقهار از ولایت سمنگان کاندیدای مستقل

قاضی محمد امین وقاد فرزند قاضی محمد یوسف از ولایت ننگرهار معاون اول

عبدالقادر امامی فرزند ملا محمد رحیم از ولایت غور معاون دوم

• مسعوده جلال فرزند طلا محمد خان از ولایت بدخشان کاندیدای مستقل

میر حبیب سهیلی فرزند محمد ایوب خان از ولایت خوست معاون اول

سید محمد عالم امینی فرزند سید محمد اکبر از ولایت میدان وردگ معاون دوم

• عبدالهادی خلیل زی فرزند فقیر الله صاحب حق از ولایت کنر کاندیدای مستقل.

خدای نور مندوخیل فرزند ابوبکر از ولایت غزنی معاون اول

خدا داد عرفانی فرزند سخی داد از ولایت ارزگان معاون دوم

• عبدالرشید دوستم فرزند عبدالرحیم از ولایت جوزجان کاندیدای مستقل

شفیقه حبیبی فرزندمحمد عمر از ولایت کابل معاون اول

مصطفی کامل مخدوم فرزند عبدالکریم از ولایت جوزجان معاون دوم

• سید اسحاق گیلانی فرزند سید علی گیلانی از ولایت کابل کاندیدای نهضت همبستگی ملی

محمد اسماعیل قاسمیار فرزند ابوالقاسم از ولایت هرات معاون اول

بریالی نصرتی فرزند ذبیح الله نصرتی از ولایت کابل معاون دوم

• حامد کرزی فرزند عبدالاحد کرزی از ولایت قندهار کاندیدای مستقل

احمد ضیاء مسعود، فرزند دوست محمد از ولایت پنجشیر معاون اول

محمد کریم خلیلی فرزند محمد اسلم از میدان وردک معاون دوم

• محمد محفوظ ندایی فرزند میر احمد خان از ولایت کابل کاندیدای مستقل

سید محمد عارف ابراهیم خیل فرزند محمد ظریف از ولایت کابل معاون اول

محمد حکیم کریمی فرزند محمد رحیم از ولایت بغلان معاون دوم

• وکیل منگل فرزند حاجی بهرام از ولایت خوست کاندیدای مستقل

محمد یونس مغل فرزند احمد جان از ولایت کابل معاون اول

وینا گل فرزند امین گل از ولایت پکتیا معاون دوم

• سید عبدالهادی دبیر فرزند سید عثمان از ولایت تخار کاندیدای مستقل

عبدالرشید فرزند دوست محمد از ولایت بادغیس معاون اول

داد محمد خان فرزند محمد حسین از ولایت ننگرهار معاون دوم

• عبدالحسیب آرین فرزند عبدالهادی از ولایت کابل کاندیدای مستقل

گل آقا شکیب فرزند نذر محمد از ولایت کابل معاون اول

سید محمد زمان احمد یار فرزند سید فریدون از ولایت کابل معاون دوم

• همایون شاه آصفی فرزند احمد شاه خان از ولایت کابل کاندیدای مستقل

محمد هاشم عصمت اللهی فرزند فقیر الله از ولایت کابل معاون اول

تاجور کاکر فرزند غلام محمد کاکر از ولایت کندهار معاون دوم

• صفدر صادقی یکاولنگی فرزند گردی حسین از ولایت بامیان کاندیدای مستقل

حیات الله ادیب فرزند سخی داد از ولایت میدان وردگ معاون اول

ابراهیم فرزند محمد امیر از ولایت بامیان معاون دوم

• محمد حلیم تنویر فرزند محمد امین تنویر از ولایت کابل کاندیدای مستقل

جمیل الرحمن کامگار فرزندعبدالرحمان از ولایت کابل معاون اول

• محمد ابراهیم رشید فرزند سردار عبدالرشید از ولایت بغلان کاندیدای مستقل

سید محمد هادی هادی فرزند سید نادر حسین از ولایت میدان وردک معاون اول

حمید طاهری فرزند در محمد از ولایت بغلان معاون دوم

• محمد یونس قانونی فرزند محمد یوسف از ولایت پنجشیر کاندیدای نهضت ملی

تاج محمد وردک فرزند احمد شاه خان از ولایت میدان وردک معاون اول

سید حسین عالمی بلخی فرزند سید میرآغا از ولایت بلخ معاون دوم

• خوشحال حسینی فرزند سید عبدالوهاب از ولایت قندهار کاندیدای مستقل

امریکا پس از حادثهٔ ۱۱ سپتامبر تعریفی غلط از امنیت خود وجهان...

عمده ترین دلیلی که برای به تأخیر انداختن انتخابات پارلمانی در تحلیل ها و در دیدگاه ها و از جانب مراکز تصمیم گیری مطرح می شود مسأله عدم موفقیت برنامه DDR وخلع سلاح است که حضور فرماندهان قدرت مند و حضور مجاهدان را در مناطق در برگزار شدن یک انتخابات دموکراتیک و سالم مانع می دانند، بناءً یکی از توجیهات مهم برای به تأخیر انداختن انتخابات پارلمانی همین مسأله ارائه می شود، به نظر شما این مسأله در واقع چقدر مانع است؟

مسألهٔامنیت مسأله نسبی است و روندی که ما تا هنوز پیشرو داشته ایم، متأسفانه روند سالم نیست و انتظار نباید داشته باشیم که اگر دولت به همین شکل برای خلع سلاح عمومی اصرار بکند و برای ساختمان قوای نظامی ملی و اردوی ملی و غیره، این کار به زودی انجام نخواهد یافت وا گر در این راه موفق هم شوند، آن امنیتی راکه آرزو دارند به میان نخواهد آورد، از این لحاظ باید تجدید نظر در روش و روند به میان آوردن امنیت صورت بگیرد. ما باید به مردم خود اتکا کنیم که آنها تصمیم بگیرند چه کسانی تفنگ داشته باشند و چه کسانی تفنگ نداشته باشند ، نه ملل متحد و نه ناتو ونه دولت فعلی که در مرکز قرار دارد. چنان که می گویند درایالات متحدهٔ امریکا حق مسلم شهروندان است که باید تفنگ داشته باشند، این داشتن تفنگ در یک کشور چند صد میلیونی امریکا هیچ وقت مانع برگزاری انتخابات دموکراتیک قلم داد نشده است .

داشتن سلاح در قانون اساسی امریکا حق مسلم هر شهروند امریکااست . شهروندان تاوقتی که قانون شکنی نمی کنند حق داشتن سلاح را دارند و یکی از دلایلی که این حق در قانون اساسی امریکا کنجانیده شده این است که مردم بتوانند در برابر حکومت های ظالم و استبدادی از خود دفاع کنند نه در برابر اشخاص و افراد، ما هم باید این اصل را در افغانستان قبول کنیم. در تاریخ کشور ما همیشه توسط حکومت های متمرکز قوی بالای مردم و اتباع ظلم شده است . اگر به تاریخ افغانستان نظر افگنیم در می یابیم که منبع ظلم وجبر در کشور ما دایم حکومت های مرکزی بوده است، ما چطور می توانیم بدبختی هایی را که ۲۵ سال بحران به ارمغان آورده و موفقیت هایی را که جهاد برای مردم به دست آورده نادیده بگیریم و اتکا بکنیم بر این که حکومت متمرکز قوی امنیت خواهد آورد و ازما و از کشور ما دفاع خواهد کرد. از ظرفیت حکومت مرکزی تعریف تازه باید بکنیم وا مکانات دست داشته حکومت مرکزی را باید کمتر بسازیم و تعریف خاصی برای وظایفش و مسؤولیت هایش داشته باشیم و ما باید مسؤولیت بیشتری برای مردم و شهروندان افغانستان بدهیم که آن ها در امنیت، اداره و در بهبود وضع جامعهٔ خود نقش داشته باشند. حکومت ها در گذشته ها هیچ یکی از این کار ها را انجام نداده اند.

د کابل ـ تورخم لویه لاره به ...

دا چې موټر چلوونکي ترافيکي قواعد او نورمونه په پام کې نه نيسي دترانزيت موټرو بار او بکاژ ئې هم له ټاکلي اندازې وتلي وي چې زياتره دغه ډول موټر دماهيېر په تونلونو کې بند پاتي کيږي او دغه راز بندښت يا په ساعتونو دوام کوي چې د موټرو دسپرليو او په خاص ډول دسپين ږيرو، ناروغانو ماشومانو او ښځينه ولي له پاره له زغم نه وتلي کار دي.

همدارنګه د تورخم ـ کابل د څه د پاسه دوه سوه کيلو مترو په اوږدې لاره کې ګرځنده ترافيک نه تر سترګو کيږي چې دوسايطو کنترول وکړي او يا سرغړوونکوته جزا ورکړي او دې ته ئې اړباسي چې دترافيکي مقرراتو ته پام کې نيولو سره، خپل ځان او نور خلک له خطر سره مخامخ نه کړي.

زمونږ هيله داده چې دفوايد عامې وزارت ددغې لوئي لارې د جوړولو چارې چټکې کړي او له هرڅه لومړي د«لته بند» زړه لاره چې اوس متروکه ده ترميم او د لويو ګاډو له پاره ځانګړې شي، د ماهيپر په لاره، يواځي دسپرليو موټرونه، دتنګ راتګ اجازه ورکړي شي، ترڅو خلک په خپل وخت، له يو ولايت څخه، بل ته ورسيږي او وخت ئې ضايع نه شي.

همدارنګه مونږ دچيناني کمپنئ له سړک جوړونکو انجنيرانو څخه هيله کوو، چې د وخت له لاسه وتلو پرته، په خپله ژمنه وفا وکړي او دنوموړي سړک دجوړولو چاروته چټکتيا ورکړي

که چيرته سړک دپخوا په څير جوړ شي نو دکابل ـ جلال آباد لاره چې اوس ديو ګړندي موټر د پنځو ساعتو واټن دي، سم په نيماني يعني دوه نيمو ساعتو ته رالنډيږي چې طبعاً دټولو اړتيا وړهغو موادو بيه ورسره ارزانيږي چې دختيځ يا ګاونډي هيواد پاکستان څخه را وړل کيږي، د سپرليو په کرايه کې هم ديادونې وړکموالي راځي، تازه ميوې او سابه هم به خپل وخت بې له دې چې خوسا شي کابل ته رسيږي او بله مهمه ګټه ئې دوخت سپما او دموټرو داستهلاک مخنيوي دي. هيله من يوو چې دجلال آباد ـ تورخم دسړک جوړولو پلان هم تر لاس لاندې ونيول شي او هغه لورې چې ددغه سړک د جوړولو او لګښت تړنې وهلې دي، بايد عملاً کارته را ودانګې او زمور دخلکو دستونزو د اوارولو په خاطر په کار لاس پورې کړي

ویژگی های شخصیت ساز در انسان

برگرداننده: فرزاد هاشمی نژاد

شخص مسلمان، هرچند که غنی و ثروت مند هم باشد باید کارکند و پیشه یی مشروع داشته باشد و تمام تلاش و کوشش خود را به گرفتن مناصب دولتی و دویدن از ورای وظیفهٔ رسمی متمرکز نسازد

عدیدی از صفات و ویژگی ها است که اگر در وجود انسان به ظهور بپیوندد، شخصیت او را به حدکمال می رساند این ویژگی ها عبارتند از:

۱- نیروی جسمی: مسلمان باید دست کم در سالی یک بار به معاینات پزشکی رو آورد، و به درمان بیماری های خود بپردازد و زمینه های نیرومندی جسم خویش را فراهم کند و به پیشگیری های صحی توجه نماید، و برای تندرستی خویش ورزش کند هرچند این ورزش پیاده روی هم بوده باشد وهمچنان شخص مسلمان بایستی از چیزهای مضر مانند مشروبات الکلی، مواد مخدر و دخانیات و... بپرهیزد.

۲- متانت اخلاقی: مسلمان باید باریک بین، تیز هوش و قدرشناس، راستگوی وراست کردار، متواضع و عین حال سرفراز باشد، و بایستی با افراد پائین تر از خود شفقت و رحمت وهمکاری کند، از قوت اراده، شجاعت بلند، جدیت و وقار برخوردار باشد؛ به شرطی که این وقار و بزرگواری او را از مزاح راستین ولبخند محبت آمیز باز ندارد. مسلمان باید کوشش نماید که از همنشینان سوء ورفقای مفسد دوری بجویید.

۳- ثقافت فکری: مسلمان باید خواندن و نوشتن را خوب بداند و فرابگیرد، و برای خود کتابخانه یی ویژه بسازد هرچند خورد باشد، و باید در مسلک و رشتهٔ خود کاملاً متبحر گردد وکارشناس شود، به امور اصلاحات عمومی با توجه به خواسته های زمان توجه وعنایت بفرماید، تلاوت وتجوید قرآن کریم را به خوبی یاد بگیرد و در معانی آن تدبر نماید، سیرت پیامبر و تاریخ سلف صالح را نیز به قدر امکان مطالعه کند و از آن الگو بگیرد و حد اقل در مورد احکام ضروری دین معلومات حاصل کند.

۴- داشتن پیشهٔ مشروع: شخص مسلمان، هرچند که غنی و ثروت مند هم باشد باید کارکند و پیشه یی مشروع داشته باشد و تمام تلاش و کوشش خود را به گرفتن مناصب دولتی و دویدن از ورای وظیفهٔ رسمی متمرکز نسازد، او در کار و وظیفهٔ خویش بایست اخلاص مند باشد و به شایستگی کارش را اجرا نماید و به وعده های خود پای بند باشد و از ضیاع وقت جلوگیری کند، در هر معامله وکار خویش آسان گیری نماید و از رشوه ستانی پرهیز کند، و از در آمد ماهانهٔ خود اگرچه اندک باشد بایستی چیزی ذخیره کند تا در ایام مشکلات از آن بهره بگیرد، برای رسیدن به درجه های کمال انسانی سعی نماید ومظاهر اسراف و ولخرچی را کنار بگذارد، و تاحد امکان اهتمام کند که پولش به جیب غیر مسلمان نریزد.

۵- سلامت عقیده: مسلمان همواره باید به مراقبت خدا باور داشته باشد و در هرکار نیت خود را خالص برای او(ج) بگرداند، همیشه روز بازپرس را به خاطر داشته باشد و برای آن آمادگی بگیرد، به وسیلهٔ عبادات ونوافل به خدا تقرب بجوید و در هر حال به ذکر خدا بپردازد و به دعاهایی که از پیامبر مأثور است توجه کند، و به پاکی ظاهری و معنوی خود اهتمام بورزد، غالباً بایستی باوضو باشد و نمازهای خویش را به طریقهٔ خوب و باحفظ آداب و رعایت وقت ادا نماید، به حضور در مسجد و به ادای جماعت حرص ورزد، رمضان را به صورتی درست روزه بگیرد و فریضهٔ حج بیت الله را- اگر توانایی داشت- ادا نماید، و به گونه یی مداوم به توبه واستغفار بپردازد و به وقت خود بسیار وقع بگذارد؛ چه وقت روندی است که باز نمی گردد، وهمواره نیت خدمت در راه خدا را در سر بپرورد و برای تحقق آن آمادگی داشته باشد.

۶- ادای درست عبادت: مسلمان باید امر خدا را به جا آورد تا زمینه های ترقی و پاکیزگی وجدان و درونش فراهم گردد، و به حد توان به فراگیری دانش بپردازد و برای نیرومند کردن ارادهٔ خود به اخلاق اسلامی آراسته شود، نظام اسلام را در خوردن، نوشیدن وحتی خواب کردن خویش رعایت کند تا از این راه جسم ونفس وی از بیماری ها وقایه شود، و در عبادات الهی راه اعتدال را پیشه نماید.

۷- مجاهدت با نفس: مسلمان حقیقی بایستی برای اصلاح خود همواره با نفس جهاد کند، وچشم خود را از محرمات بپوشاند، وعاطفه اش را کنترل کند و در برابر همه انواع غرایز ایستادگی نماید، وخویشتن خود را بدین وسیله به سمت حلال و پاکیزگی سوق دهد و درمیان نفس وامور حرام حایلی قوی ایجاد کند.

۸،۹- تنظیم امور واهتمام به وقت: برمسلمان است که بداند در جلو رویش لحظه ها و اوقاتی گرانبها قرار دارد ومی تواند از آن لحظات برای کامیابی دنیا و آخرت خویش استفاده کند، این اوقات از لحاظ برکت متفاوت است و طبیعتاً برکت و ارزش وقت به تنظیم وبهره گیری درست از آن بستگی دارد، هر قدر که مسلمان در کارهای خود منظم باشد و تقسیم اوقاتی برای خود بسازد، خداوند در کار و وقت او برکت می اندازد و او را برای بهره گیری بزرگ از وقت در جهت خدمت به دین وخلق خدا توفیق عنایت می فرماید.

۱۰- رعایت منافع غیر: لازم است که مسلدان در هر حالتی قضاوت گر درست ومعتدل باشد، غضب او باعث نشود که از نیکی ها چشم بپوشد چنان که رضایش موجب چشم پوشی از بدی ها باید نگردد، وخصومت های دنیایی نباید او را به فراموش کردن کارهای خوب یک انسان وادارد و بایسته است که وی همیشه حقگو باشد و لو در برابر نفس خود، مسلمان باید بسیار نشیط، پرکار و باحوصله باشد و در بخش خدمات اجتماعی کوشش کند که خیری به دیگران برساند و به مردمان مستحق خدمت کند، رحم دل وباگذشت باشد و آداب اجتماعی اسلام را رعایت نماید. اینها ویژگی هایی اند که هرگاه در وجود کسی به عینیت برسند، از او انسانی خوشبخت وخیرخواه ساخته خواهد شد. لذا آرزو می برم که همهٔ مسلمانان ومخصوصاً جوانان و نوجوانان عزیزمان را خداوند متعال توفیق دهاد تا تمام این صفات نیکو را در خود به تحقق بنشینند.

نیرنگها و دروغهای یک جنگ آزادی بخش!

وحید مژده

پس از جنگ خلیج که به شکست عراق و آزادی کویت منجر گردید، امریکا و انگلستان تأکید داشتند که عراق دارای سلاح های کشتار جمعی است و این کشور خطرناک باید خلع سلاح گردد. هیأت بازرسان سازمان ملل متحد مدت هایی طولانی در عراق به دنبال سلاح های کشتار جمعی بود اما هیچ نشانه یی از چنین سلاح ها به دست نیامد. گزارش های این هیأت قبل از حملهٔ امریکا و انگلستان.به عراق به وضوح نشان از شکست این جستجو ها داشت. هانس بلیکس و محمد البرادعی صحت گزارش ها در مورد وجود اسلحهٔ کشتار جمعی در عراق را مورد تردید قرار دادند اما امریکا



و انگلستان تأکید داشتند که عراق سلاحهای کشتار جمعی خود را از دید بازرسان مخفی کرده است. سازمان های اطلاعاتی امریکا و انگلیس CIA وMI6 اسنادی را به دولت مردان دوکشور ارائه نمودند که بیشتر شامل عکس های ماهواره یی بود که نشان می داد چنین سلاح هایی در عراق موجود است و دولت عراق قادر است در مدت ۴۵ دقیقه این سلاح ها را به حالت آماده باش درآورد.

جنگ به همین بهانه اغاز شد. رژیم صدام حسین سرنگون گردید و نیروهای اشغالگر در سراسر عراق عرصهٔ جولان یافتند اما هیچ اثری از سلاح های مورد ادعا بدست نیامد. رفته رفته مردم در امریکا و انگلستان به این نتیجه رسیدند که آن ادعا ها فقط بهانه یی برای آماده ساختن ذهنیت ها برای حمله به عراق بوده است. حتی نیرو های اشغالگر خود نیز اذعان داشتند که شاید چنین سلاحهایی در عراق اصلا به دست نیاید.

ادعا شد که صدام قبل از حمله شاید این سلاحها را به لیبیا منتقل کرده باشد اما معمر القذافی با افراشتن پرچم تسلیم، به این شایعات پایان داد.

اکنون سوال مهم این است که این گزارش های نادرست از کجا آمده است؟ برای بررسی عوامل این اشتباه لرد باتلر در ماه دلو سال گذشته ماموریت یافت تا در این مورد گزارشی ترتیب و به مجلس نمایندگان تقدیم نماید. برای تهیهٔ این گزارش ۱۹۶ صفحه یی پنج ماه وقت صرف شد. گزارش در ۷ جولای سال روان به نشر رسید. قبل از این گزارش سنای امریکا نیز گزارشی را ارائه نمود که در آن از نادرست بودن بهانه تراشی ها برای حمله به عراق پرده برداشته شده بود.

اندکی بعد از انتشار گزارش لرد باتلر، تونی بلیر نخست وزیر انگلستان از اقدام کشورش برای حمله به عراق به دفاع برخاست و گفت که صدام حسین در هر حال خطرناک بود و دنیای بدون صدام دنیای امن تری است. عراق اکنون به سوی یک آیندهٔ بهتر به پیش می رود و وضع امنیتی عراق نیز روزبه روز در حال بهتر شدن است.

اما گزارش لرد باتلر برخلاف انتظار هیچ کسی را مقصر اشتباهات قلمداد نکرد. گزارش با این روحیه ترتیب شده بود که همه با حسن نیت در حمله به عراق سهم گرفتند. حسن نیت توجیه لازم برای همه اشتباهات است. گزارش هرچند به این نکته پرداخته است که سازمان MI6 با اطلاعاتی ناموثق که از مخالفان دولت صدام حسین به دست آورده بود بیش از حد اعتماد کرد اما حتی آن سازمان نیز مقصر نیست.

راابین کوک وزیر خارجهٔ سابق که در ماه مارچ ۲۰۰۳ به علت مخالفت با جنگ عراق از شغل خود استعفا داد در مقاله یی که در اندیپندت نوشت از این که در این گزارش هیچ کس مسؤول و مقصر شناخته نشده است ابراز تعجب نمود. او داخل شدن کشورش در جنگ با عراق را بزرگترین اشتباه تاریخ انگلیس پس از حمله به کانال سویز خواند.

کوک که از شخصیت های پرنفوذ در حزب کارگر است ابراز امیدواری کرد که تونی بلیر با درک این اشتباه بزرگ، از مردم انگلستان پوزش بخواهد. روزنامه های معتبر انگلستان همه ضمن تعجب برانگیز خواندن گزارش لرد باتلر، از تونی بلیر به خاطر فریب اذهان مردم انتقاد کردند.

چارلز کنیدی رهبر حزب لیبرال دموکرات انگلستان از بلیر خواست از ملت به خاطر دروغ هایی که گفته است پوزش بخواهد. او گفت که گزارش باتلر قناعت بخش نیست. تحلیلگران امور سیاسی در کشور های اروپایی بیشتر به این نظرند که گزارش لرد باتلر فقط کسانی را قانع می سازد که از قبل نیز با حمله موافق بودند.

هانس بلیکس رئیس مفتشان سازمان ملل متحد در عراق شدیدا از گزارش باتلر انتقاد نمود در حالی که باتلر برای تهیهٔ این گزارش با بلیکس و البرادعی مشوره هایی زیاد داشت.

بلیکس این گزارش را اظهاراتی با تعابیر دلخواه و غیر قابل قبول خواند که افکار عمومی را به نتیجه گیری غلط می کشاند.

> **مردم در امریکا و انگلستان به این نتیجه رسیدند که آن ادعا ها فقط بهانه یی برای آماده ساختن ذهنیت ها برای حمله به عراق بوده است. حتی نیرو های اشغالگر خود نیز اذعان داشتند که شاید چنین سلاحهایی در عراق اصلا به دست نیاید**

به هر حال می توان گفت لرد باتلر در این گزارش سعی کرده است تا تونی بلیر را از اشتباهات ناشی از دخالت در عراق برائت بدهد اما او از دستگاه های استخباراتی انگلستان که با اطلاعات غلط موجب درگیر شدن انگلستان در جنگ شدند انتقاد کرد هرچند که نام شخص خاصی در این رابطه برده نشد.

اما نمی توان باور کرد که در کشوری چون انگلستان با آن همه سابقه در نیرنگ های اطلاعاتی، سازمان اطلاعاتی این کشور سهواً چنین خطایی بزرگ را مرتکب شده باشد. بدون تردید حلقه هایی معین دراین کشور از این جنگ سود می بردند و با درگیر کردن کشور شان در فکر منافع خود بودند. اما گزارش باتلر هرچند به منظور برائت بلیر ترتیب شده بود و بلیر هم با چرب زبانی های معمول خودش سعی کرد تا مسؤولیت اشتباه سازمان های اطلاعاتی را خود به عهده بگیرد، ولی در اذهان مردمی که بی طرفانه می اندیشیدند، چهرهٔ تونی بلیر به شدت خدشه دار شد.

آنچه که ما شاهد آن هستیم نیرنگ ها و دروغ هایی است که در توجیه جنگ گفته می شود. این گزارش نشان می دهد که در جنگ هایی که از جانب قدرت های بزرگ با اهداف بزرگی چون آزاد ساختن ملت ها و برقراری دموکراسی به راه می افتد، هر دروغ و نیرنگی روا و موجه است!

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

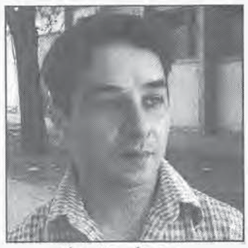
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما
رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ هفدهم | چهارشنبه ۷ اسد ۱۳۸۳ | ۱۱ جمادی الثانی ۱۴۲۵ - | 28 July 2004

تأخیر انتخابات شورای ملی و ...


محمداسحق جواد

رئیس جمهور که انتخاب می شود باید حلف وفا داری خود را در برابر پارلمان ابراز نماید و در این هنگام نیز ضرورت به پارلمان احساس می شود تا مددگار رئیس جمهور باشد وخلای تقنینی را بر طرف نماید.

حامد کرزی رئیس جمهور خوبی بوده است اما هرکسی که رئیس جمهور شود در انتخابات پارلمانی دست بالایی می داشته باشد و طبیعی است که یک تعداد مردم را به جای نمایندگان ملت ومردم می گمارد.

در حکومت ها همیشه روابط بر ضوابط حاکم بوده است، چنانچه وکلای انتصابی یی که در جرگهٔ اضطراری نصب شدند، در لویه جرگهٔ قانون اساسی نیز انتصاب وحتی کرسی هایی بلند را احراز کردند در حالی که نمایندگان انتخابی که به اساس اهلیت و استعداد خود انتخاب شده بودند و درد ملت را بهتر می دانستند، دولت در رابطه با آن ها هیچ توجهی نکرد. بناءً این خود بیانگر آن است که هر رئیس جمهوری که برنده شود کوشش می کند که افراد خود را در پارلمان بگمارد تا نمایندگان واقعی ملت.

بناءً نظر به دلایل فوق و تقاضای مردم و قرار وعده یی که در لویه جرگه شده بود از کمیسیون مستقل تدویر انتخابات خواهانیم تا هر دو انتخابات را همزمان برگزار کند.

حاجی محمد نعیمی استاد دانشکدهٔ فارسی دانشگاه کابل در این مورد گفت:

از آن جایی که فعلاً فعالیت احزاب سیاسی محدود می باشد، بناءً یک مدت را ایجاب می نماید که شخصیت ها و احزاب بهتر شناخته شوند تا انتخابات بهتر صورت بگیرد. همچنان وکلای پارلمانی نه افراد گماشته شده، که نمایندگان واقعی مردم باید باشند تا تمام امور همه جانبه بررسی وبرنامه ریزی شود وهمه اعضای پارلمان به یک جناح مربوط


سید جلال الدین

نباشد.

نکتهٔ قابل عطف دیگر این است که اگر روند جمع آوری سلاح قبل از تدویر انتخابات پارلمانی ختم گردد، کاری بهتر خواهد بود و نتیجه یی مثبت را در قبال خواهد داشت.

محمداسحق جواد دانشجوی سال ششم دانشگاه علوم طبی و مدیر مسؤول دو هفته نامهٔ فراسو، از انتخابات ریاست جمهوری در آیندهٔ نزدیک انتقاد کرده گفت:

بر چند نکته را باید تأکید کرد:

اول این که نیازی به برگزاری عاجل انتخابات نداریم. باید گذاشته شود تا کاندیداها به ولایات بروند و با اقشار مختلف مردم دیدن نمایند. برای این کمپاین مدت بیشتری نیاز است. از طرف دیگر بعضی موانع مانند، فوتوکاپی ده هزار کارت جهت کاندیداتوری ریاست جمهوری، وغیره وجود دارد. آقای کرزی می تواند بیشتر از ده هزار کارت را دریابد اما کسانی دیگر هم باید مد نظر گرفته شوند و زمینه یی خوب برای تمام کاندیداها مساعد شود. ما یک تلویزیون داریم آنهم در اختیار یک فرد خاص قرار دارد. اما کاندیداهای دیگری هم وجود دارند که حتی کسی از آنها خبر هم ندارد. از طرف دیگر دیده می شود که در بعضی ولایات حتی ده در صد مردم هم کارت رأی دهی اخذ نکرده اند و برایشان اخطار داده می شود بناءً این دلایل هم انتخابات پارلمانی وهم انتخابات ریاست جمهوری را می تواند ناقص بار آورد.

حمیدالله دانشجوی دانشگاه کابل در مورد چنین ابراز نظر نمود:

چون در جرگهٔ قانون اساسی فیصله شد که هر دو انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری همزمان برگزار گردد و این موضوع را در قانون اساسی گنجانیدند، بناءً مجزا کردن انتخابات ریاست جمهوری از


حمید الله

انتخابات پارلمانی، تخطی از قانون اساسی می باشد.

اگر انتخابات را به تأخیر می اندازند باید هر دو را به تعویق اندازند. تا از یک طرف از مصرف گزافی که دو چند خواهد شد، جلوگیری شود، و از طرفی دیگر به وعده وفا خواهد شد و به قانون عمل.

سید جلال الدین دانشجوی دیگر دانشگاه کابل می گوید:

به نظر من انتخابات ریاست جمهوری وقتی برگزار شود که تمام کاندیداها به صورت کامل به مردم شناسانیده شوند تا مردم خوب تر درک کنند وتصمیم خود را با دقت بگیرند. با مصارفی که شده است ثمره یی را باید به دست آوریم که حد اقل ۸۰٪ مثبت باشد. واین امر زمانی عملی خواهد شد که خلع سلاح کاملاً صورت گرفته وبیشتر از ۹۰٪ مردم افغانستان کارت رأی گیری اخذ نموده باشند.

محاکمهٔ امریکاییان متهم به داشتن زندان شخصی در کابل معطل قرار داده شد

گزارشگر: ندیم


مولوی محمد صدیق

روز چارشنبه گذشته ۳۱ سرطان جلسهٔ محاکمهٔ سه امریکایی وچهار افغانی یی که به ساختن زندان شخصی و آزار وشکنجهٔ افغانها متهم و بازداشت گردیده اند.

سه شهروند امریکایی به نام های ادوارد کارابولا، جاناتان آیدما جک و برتت نیت که در یک منزل رهایشی واقع در کارتهٔ پروان، زندان خصوصی ساخته بودند باچهارتن افغانی که با آنان همکار بودند، باز داشت شدند.


غلام سخی دکاندار

جاناتان ایدما که به جک شهرت دارد، دارای سابقهٔ خدمت در اردوی امریکا می باشد، در جریان محاکمهٔ علنی ادعا کرد که تمام کارهای انجام شده توسط آنان، باآگاهی کامل وزارت دفاع امریکا«پنتاگون» انجام پذیرفته است. آنها اظهار کردند که مدارکی را در دست دارند که این ادعا را به ثبوت می رساند. اما پنتاگون در واکنشی به این موضوع بیان کرده است که این افراد، به عنوان مزدور به افغانستان سفر کرده بودند واقدامات آنها خود سرانه بوده و ارتباطی به دولت امریکا ندارد.


شیر جان راننده

سارنوال مؤظف با قرائت صورت دعوا علیه متهمان گفت: این اشخاص از طریق هندوستان به گونهٔ غیر قانونی وارد کابل شده اند و همه کارهای آنها غیر مسؤولانه وجهت تأمین منافع شخصی آنها بوده است.

این سه شهروند امریکا در چهارم اپریل وارد کابل گردیده، ابتدا زندانی در محل وزیر اکبر خان ساختند و بعداً زندان خود را به شهرنو و از آنجا به کارتهٔ پروان انتقال دادند.

آنها در طول این مدت حداقل هشت تن از شهروندان کابل را به اتهام ارتباط با القاعده و وابستگی به طالبان بازداشت ومورد شدید ترین شکنجه ها قرار داده اند که نظر به اظهارات سه تن از متضرران، به نام مولوی محمدصدیق نائب رئیس دیوان مرافعهٔ کابل، غلام سخی دوکاندار قلعهٔ زمان خان وبشیر احمد دریور تاکسی، آنها به شکنجه هایی مانند پاشیدن آب سوزان روی بدن، بستن به روی اطاق نمناک، گرسنه نگهداشتن وغیره شکنجه های غیر انسانی مواجه شده اند.

در این مجلس جاناتان ایدما (جک) مؤظفان تحقیق را متهم کرد که از ترجمان او سهیل به واسطهٔ لت و کوب تحقیق گرفته اند که این ادعای او از طرف سارنوال مؤظف و خود سهیل نام رد گردید. متهمان امریکایی نظر به دلایلی که عمدتاً نرسیدن وکلای مدافع شان از امریکا، عدم موجودیت وکیل مدافع وترجمان مناسب بوده است، خواهان به تعویق انداختن محاکمه برای مدت حد اقل ۲۰ روز شدند.

قاضی عبدالباسط بختیاری که گردانندگی این مجلس را به عهده داشت، تقاضای آنها را رد نکرد و اصدار حکم محکمه را برای پانزده روز معطل قرار داد وضمناً به سارنوالی هدایت داد تا در قسمت ادعای متضرران نظر کمیسیون عدلی نیز خواسته شود.


امریکاییان متهم در محکمه